

عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با احساس امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار در شهرستان مریوان

حسین یحیی زاده*، بهزاد خدري**

مقدمه: امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار که بار تکلیف خانواده را به دوش می‌کشند، امر مهمی است؛ تا جایی که رابطه تنگاتنگی با سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی آنان دارد. هدف از پژوهش حاضر، شناسایی برخی عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار است و احساس امنیت در این تحقیق به سه حوزه جانی، مالی و سیاسی تقسیم شده است.

روش: پژوهش حاضر، پیمایشی بر ۱۱۲ نفر از زنان سرپرست خانوار شهرستان مریوان است.

یافته‌ها: بین گرایش به مشارکت در تأمین امنیت، تلقی از عملکرد پلیس، و پایگاه اجتماعی-اقتصادی (ذهنی و عینی) با امنیت اجتماعی رابطه مستقیم و بین احساس محرومیت نسبی و امنیت اجتماعی رابطه معکوسی وجود دارد. اما تلقی از عمل کردن قانون با امنیت اجتماعی رابطه‌ای ندارد. نتایج رگرسیون چندمتغیره نشان داد که ۳۶٪ از تغییرات متغیر وابسته را متغیرهای مستقل تبیین می‌کنند.

بحث: متغیرهای اجتماعی و اقتصادی در تأمین امنیت اجتماعی رابطه تنگاتنگی با هم دارند و متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی برای زنان سرپرست خانوار با توجه به شرایط آنان اهمیت ویژه‌ای دارد. می‌توان پیشنهاد داد که اقدام جهت کاهش احساس محرومیت نسبی، ایجاد فرصتهای برابر و توزیع عادلانه امکانات جهت ارتقاء احساس امنیت اجتماعی می‌تواند سودمند باشد.

کلید واژه‌ها: امنیت اجتماعی، زنان سرپرست خانوار، محرومیت نسبی

تاریخ دریافت: ۹۲/۸/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۳/۴/۴

* دکتر مددکاری اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی

** کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، <behzad.khedri@gmail.com> (نویسنده مسئول)

مقدمه

وضعیت زنان سرپرست خانوار، در چارچوب رفاه خانواده امر مهمی تلقی می‌شود و حقیقتاً زن و خانواده دو مقوله غیرقابل تفکیک از یکدیگرند. واقعیات موجود در جامعه نشان از آن دارد که علیرغم اعلامیه‌ها و بیانیه‌ها و تأسیس نهادها و سازمانهای بین‌المللی مختلف در تحقق حقوق زن، مسئولیت و هزینه‌های قابل توجه و طاقت‌فرسای تأمین معاش خانواده که برعهده این قشر آسیب‌پذیر اجتماعی است، در بسیاری از موارد سخت یا حتی غیرممکن است و در صورت تحقق نیز زندگی سرشار از سختیها و محنتها را متحمل این قشر از زنان می‌کند. در این میان، زنان سرپرست خانوار دارای مسئولیت سنگین اقتصادی و اجتماعی در خانواده هستند. آنان هم مادران فرزندان خود هستند و هم پدران آنان. اصطلاح زنان سرپرست خانوار به زنانی اطلاق می‌شود که مسئولیت تأمین معاش زندگی یا اداره امور خود یا خانواده خود را به‌طور دائم یا موقت عهده‌دار هستند. زنان سرپرست خانوار از جمله گروههای آسیب‌پذیر اجتماعی‌اند که گاه عواملی چون طلاق، فوت یا اعتیاد همسر، از کارافتادگی و رها شدن توسط مردان، موجب آسیب‌پذیر شدن این طیف وسیع در جامعه می‌شود. این درحالی است که با مقایسه داده‌های سرشماری سال ۱۳۷۵ با ۱۳۸۵، سالانه ۶۰ هزار زن در کشور به جمع این گروه افزوده می‌شود؛ به‌ویژه آنکه در سالهای اخیر، رشد طلاق بر این معضل بیش از پیش دامن می‌زند. امنیت از نیازها و انگیزه‌های اساسی انسان به‌شمار می‌رود، به‌طوری که با زوال آن، آرامش خاطر انسان از بین می‌رود و تشویش، اضطراب و ناآرامی جای آن را می‌گیرد و مرتفع شدن بسیاری از نیازهای آدمی در گرو تأمین امنیت است. همچنین آبراهام مازلو نیز در سلسله‌مراتب نیازها، احساس امنیت را بلافاصله پس از ارضای نیازهای اولیه قرار می‌دهد (کاهه، ۱۳۸۴). امنیت اجتماعی از نظر بوزان، به حفظ ویژگیهایی اشاره دارد که براساس آن، افراد خود را به‌عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند، یا به عبارتی، با جنبه‌هایی از

زندگی فرد ارتباط پیدا می‌کند که هویت گروهی او را شکل می‌دهد (ویور و بوزان، ۱۹۹۸). تأمین احساس امنیت اجتماعی تنها با شناخت رفتارهایی صورت می‌گیرد که به افزایش یا کاهش امنیت در سطح اجتماع منجر می‌شود. برخی از این رفتارها ممکن است در یک اجتماع، احساس ناامنی و هراس را پدید آورده و مانع از توسعه روانی و اجتماعی جامعه شود. چنانکه به نظر می‌رسد جامعه مورد بررسی ما، با چنین وضعیتی مواجه شده است. نتیجه یک نظرخواهی از سوی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) مبین این گفته است که ۸۱٪ از ایرانیان به گونه‌ای احساس ناامنی می‌کنند (کلاهیچیان، ۱۳۸۴).

حیات انسان از بدو تولد، با محافظت و مراقبت، تضمین و تأمین می‌شود؛ چراکه بیماریها، آسیبها و خطرات، محدود به دوران خاص از زندگی نیستند و در تمام مراحل زندگی وجود دارند (نویدینیا، ۱۳۸۲). مهم‌ترین نیاز امروز زنان برای گسترش فعالیتهای اجتماعی آنها، ایجاد امنیت است و هرچه حضور زنان در عرصه‌های مختلف، جدی‌تر و پررنگ‌تر باشد، امنیت آنها بیشتر خواهد بود. امنیت، مقوله‌ای اساسی در هر نظام اجتماعی است و کشورها اولویت اول خود را به برقراری امنیت در جامعه اختصاص می‌دهند، اما این‌که بخواهیم در جامعه‌ای صد درصد امنیت وجود داشته باشد، امکان‌پذیر نیست؛ چراکه جامعه از افرادی با آداب و رسوم و فرهنگهای مختلف تشکیل شده و همواره درصدی از جرم و جنایت در هر جامعه‌ای وجود دارد و این امر تا حدی طبیعی است و به همان نسبت نیز احساس ناامنی وجود دارد. اما گاهی اتفاق می‌افتد که این احساس بیش از حد در بین مردم به وجود می‌آید و این امر در جامعه معضل تلقی می‌شود و باید با دقت بیشتری به آن پرداخته شود (کرامتی، ۱۳۸۵). امنیت، پدیده‌ای چندبعدی است و مطالعه میزان آن در یک جامعه از جهات مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امکان‌پذیر است. امنیت، یکی از بارزترین وجوه بالندگی یک اجتماع و بستر ساز رشد و توسعه و ثبات

اجتماعی است (نصری، ۱۳۷۸).

استقرار امنیت در یک جامعه نیازمند ساختاری است که در آن حداقل عناصری چون عدالت اجتماعی، تأمین و رفاه اجتماعی، اشتغال، آزادی و حاکمیت مردم و مشارکت کامل آنها، توزیع دانایی و اطلاعات در جامعه، اختلال اجتماعی، استفاده از نیروی فرهیختگان و دانایان، سازگاری اجتماعی و نظایر آن وجود داشته باشد. امنیت وضعیتی از تفوق نظم، قانون و رعایت عدالت در یک جامعه است که شهروندان در سایه آن از خطر و تهدید در امان بوده و برای حفظ و پاسداری از حقوق خود و برطرف کردن زمینه‌ها و عوامل تعرض احتمالی اطمینان خاطر دارند (فرخجسته، ۱۳۸۰).

اهمیت مطالعه درخصوص عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی نیز از اینجا ناشی می‌شود که بدون شناخت عوامل مؤثر و مرتبط با احساس ایمنی در افراد، تأمین امنیت اجتماعی و نظم عمومی در سطح جوامع امکان‌پذیر نخواهد بود. لذا شناخت این عوامل در ایجاد احساس امنیت اجتماعی، از پیش شرط‌های اساسی در برنامه‌ریزی جهت ارتقاء سطح امنیت اجتماعی است. سنجش وضعیت امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ کاربردی حائز اهمیت است و موجب شناخت بعد جامعه‌شناختی می‌شود. همچنین می‌توان با شناخت متغیرهای مؤثر بر آن، برای سیاست‌گذاریها و برنامه‌ریزیها مربوط به این قشر استفاده کرد تا با خارج کردن آنها از چتر حمایتی، قدمی در جهت توانمندسازی آنان برداشت. در این راستا، با توجه به طرح هدفمندکردن یارانه‌ها و حساس شدن جامعه بعد از این طرح با توجه این که مبلغ پرداختی به همه افراد جامعه از هر قشری یکسان است، آنچنان فرقی در شرایط اجتماعی آنها نمی‌کند و در شرایط قبلی خود باقی می‌مانند. شایان ذکر است بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی تأثیرگذار بر امنیت اجتماعی بسیار حیاتی است؛ چراکه رویکرد اصلی مهم در برنامه‌های موجود برای زنان سرپرست خانوار، تحت تأثیر قانون حمایت از زنان سرپرست خانوار عمدتاً بر محور حمایت مالی و امنیت اقتصادی و اجتماعی متمرکز است. اگرچه مطابق ماده ۴ قانون

مذکور، حمایت‌های موضوع این قانون به دو دسته حمایتی مالی و حمایت فرهنگی - اجتماعی تقسیم شده‌اند که باید نیاز به امنیت اقتصادی و امنیت اجتماعی این قشر را برآورده سازد، اما درعین حال، اولاً رویکرد حمایتی خیریه در برابر رویکرد خدماتی وجه قالب را دارد و ثانیاً، سازمانها و مؤسسات موجود به دلیل سهولت در ارائه حمایت مالی، کمتر گرایش به ارائه حمایت‌های غیرمالی دارند. در واقع، نقاط ضعف اساسی رویکرد حمایتی موجود این است که مدیریت منابع فعلی فاقد کارایی و اثربخشی لازم است. در مقابل رویکرد موجود، رویکرد مبتنی بر توانمندسازی قرار دارد که براساس آن، هرگز نباید برنامه‌ریزی جهت ارائه خدمات به زنان سرپرست خانوار یا هر گروه در معرض خطر دیگری مبتنی بر پوشش مادام‌العمر حمایتی آنان حفظ وضع موجود باشد، بلکه رویکرد اساسی به مددجو باید مبتنی بر ارائه فرصت‌های جدید برای تأمین مخارج زندگی خود باشند و آنان را در جهت توانمندسازی هدایت کنند تا زمینه‌های امنیت اجتماعی و اقتصادی و توانایی حفظ ویژگی‌های اساسی این زنان برآورده شود.

پژوهش حاضر به‌همین منظور و در پی شناسایی برخی عوامل و مرتبط با احساس امنیت اجتماعی صورت گرفته است. آن دسته از مقولاتی که در این مقاله مدنظر است، بخشهایی از حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی زندگی افراد است. هدف از پژوهش حاضر، شناسایی برخی عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار است که احساس امنیت در این تحقیق به سه حوزه جانی و مالی و سیاسی تقسیم شده است. از آنجا که یکی از مسائل و مباحث درباره وجود احساس ناامنی، نبود الگوی جامع و بهینه برای ارتقای امنیت اجتماعی است، لذا با شناخت علل و اسباب احساس امنیت اجتماعی و دستکاری عوامل کاهنده و فزاینده آن، که بی شک از طریق تحقیقات اجتماعی حاصل خواهد شد، می‌توان به سطح قابل قبولی از احساس امنیت اجتماعی در جامعه نائل آمد.

پیشینه تجربی

صمدی بگه‌جان در سال ۱۳۸۵ «امنیت اجتماعی در سندج» را مورد بررسی قرار داد. جامعه آماری تحقیق، شامل کلیه شهروندان ۱۸ سال به بالای ساکن در مناطق مرکز و حاشیه سندج بود. روش پژوهش، مصاحبه عمیق بوده که طی آن با ۶۰ نفر مصاحبه به عمل آمده است. محقق تأثیر متغیرهایی همچون پایگاه اقتصادی - اجتماعی، امنیت مالی، امنیت سرمایه‌گذاری، هویت قومی و امنیت سیاسی را بر امنیت اجتماعی (در دو بُعد عینی و ذهنی) ساکنین مورد بررسی قرار داده است. مهم‌ترین نتیجه این تحقیق نشان داد که افراد و خانواده‌ها، هر کدام تهدیدها و ناامنی خاص خود را دارا هستند اما مرکز ثقل تهدیدها، تهدیدهای اقتصادی است. در واقع، امنیت اجتماعی افراد و خانواده‌ها از سوی عوامل موجود در حوزه اقتصادی سلب و تهدید می‌شود. در این اثر، نویسنده با برخورداری از مباحث نظری کامل و منسجم و انتخاب روش کیفی (مصاحبه عمیق) در جمع‌آوری داده‌ها، به بطن جامعه و زندگی مردم نفوذ کرده و عوامل ایجاد یا تهدید امنیت را از دید پاسخگویان روشن ساخته است. نقدی که بر این تحقیق وارد است، مربوط به سنجش بُعد عینی امنیت اجتماعی است؛ چراکه سنجش بُعد عینی امنیت اجتماعی، نیازمند داده‌های آماری وسیع و شاخصهایی در سطح کلان است که محقق با پرسش از افراد نمی‌تواند به سنجش این بُعد از امنیت اجتماعی، چنانکه باید، نائل آید.

افشار در سال ۱۳۸۵ به «بررسی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان در شهرستان تهران» پرداخت. تحقیق به صورت پیمایشی و برای زنان بین ۱۵ تا ۴۵ سال شهرستان تهران انجام گرفته و نتایج آن نشان داد که وضعیت تأهل، شغل، تحصیلات، عملکرد پلیس، عملکرد قانون، حمایت اجتماعی و هنجار اجتماعی بر امنیت اجتماعی زنان تأثیر چشمگیری دارد؛ در حالی که سن، درآمد، قومیت، سبک زندگی و وسایل ارتباطی بر امنیت اجتماعی زنان تأثیر چندانی ندارد. عمده‌ترین نقدی که بر این تحقیق وارد است، تداخل مباحث نظری و عدم دسته‌بندی روشن از رویکردهای امنیت است.

پژوهشی برای شناسایی «عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی» توسط خانم یخفی با هدف شناخت ارتباط بین انواع سرمایه اجتماعی و احساس امنیت با بهره‌گیری از نظریه‌های مانهایم، پارسونز و بوردیو به روش پیمایش در شهر تهران صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق فوق حاکی از وجود رابطه بین سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی با ابعاد مختلف احساس امنیت (شامل احساس امنیت مالی، فکری، جانی و جمعی) است، همچنین، سطح احساس امنیت در بین طبقات اجتماعی متفاوت است.

تحقیق دیگر با عنوان «ساخت و هنجاریابی آزمون احساس امنیت» توسط دلاور در سال ۱۳۸۴ صورت گرفته است که با روش پیمایش با حجم نمونه ۱۳۰۰ نفر در مراکز استانهای کشور صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان داد که زنان نسبت به مردان و مجردها نسبت به متأهلها احساس ناامنی بیشتری دارند، همچنین، گروه سنی ۵۱-۵۲ سال بیشترین و گروه سنی بالای ۵۵ سال کمترین میزان احساس ناامنی را دارند و در نهایت نگرانی ۴۱٪ پاسخگویان امنیت جانی، ۳۲٪ امنیت اقتصادی، ۳/۰۲٪ امنیت نوامیس و ۲۴٪ نگران امنیت اجتماعی هستند (یخفی، ۱۳۹۰).

در میان تحقیقات خارج از کشور، تحقیقی با عنوان «ترس از جرم و احساس امنیت» در سال ۱۹۹۶ با روش پیمایش و با نمونه ۲۲۰۰ نفری در استرالیا انجام گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان‌دهنده این است که زنان بیشتر از مردان، مسن‌ترها بیشتر از جوانها (برعکس نمونه تهران) و کسانی که تحصیلات کمتری دارند بیشتر از کسانی که تحصیلات بالاتری دارند احساس ناامنی می‌کنند. بیشترین میزان احساس ناامنی، ترس از انواع جرائم به عنف است (کلمنتس، ۱۹۹۹). پژوهش دیگر در آفریقای جنوبی با عنوان «پنداشت مردم از امنیت» با حجم نمونه ۷۲۰ نفری و بار روش پیمایش صورت گرفته است که بیش از ۷۰ درصد در محله خود و حتی در خانه خودشان احساس ناامنی دارند، ۹۷ درصد در

مکانهای عمومی بیشتر از حریم خصوصی احساس ناامنی دارند. ۳۳ درصد در وسایل حمل و نقل عمومی احساس ناامنی داشته‌اند و ۴۷ درصد پاسخگویان به متغیرهایی چون کاهش اعتماد عمومی، اختلال در روابط اجتماعی و بی‌توجهی دولت در افزایش احساس ناامنی اشاره کرده‌اند (بیلگین و همکاران^۱، ۱۹۹۸).

لایندستروم^۲ و همکاران در سال ۲۰۰۳ در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر احساس ناامنی در محله اقدام کردند. جمعیت آماری تحقیق را افراد ۲۰ تا ۸۰ سال شهر مالمو سوئد تشکیل داده و حجم نمونه در آن ۵۶۰۰ نفر در نظر گرفته شد. میزان مشارکت در این پیمایش ۷۱٪ بود. در این مطالعه، سرمایه اجتماعی با توجه به عوامل فردی و محله‌ای سنجیده شده و منظور از عوامل محلی، شرکت در انتخابات شهری بوده است. نتایج نشان داد که عوامل محله‌ای ۷/۲٪ از کل واریانس احساس ناامنی افراد را تبیین می‌کند. این تأثیر با وارد کردن عوامل فردی در مدل، کاهش یافته و به ۰/۷ درصد می‌رسید. در نهایت با حذف عوامل فردی، سرمایه اجتماعی با توجه به مشارکت در انتخابات سنجیده شد و توانست تا حد زیادی (۷/۲٪) احساس ناامنی افراد را تبیین کند (لایندستروم و همکاران، ۲۰۰۳). لایندستروم و همکاران، با سنجش سرمایه اجتماعی تنها به واسطه مشارکت در انتخابات از سنجش متغیرهای کاذب، مداخله‌گر، واسط و... غفلت ورزیده‌اند چراکه سرمایه اجتماعی را تنها به واسطه شرکت در انتخابات مورد سنجش قرار داده‌اند، درحالی‌که شرکت در انتخابات خود از متغیرهای دیگری که در تحقیق مزبور از آنها چشم‌پوشی شد، تأثیر می‌پذیرد.

خادمیان در سال ۱۳۹۰ پژوهشی را تحت عنوان اثر سرمایه اجتماعی بر گرایش به جرم در زنان سرپرست خانوار انجام داده که نتایج به دست آمده حاکی از آن است که نبود گروه‌های مدنی و دینی و پیوندهای خانوادگی و شبکه‌های اجتماعی غیررسمی منجر به بالا رفتن جرائم در این زنان می‌شود. معیدفر و حمیدی در سال ۱۳۸۶ در تحقیقی با عنوان

1. Biligin
2. Lindstrom

نگفته‌ها و آسیبهای اجتماعی به این نتیجه رسیدند آنچه موجب می‌شود سرپرستی این زنان به‌عنوان یک مسئله اجتماعی شناخته شود، مشکلات و موانعی است که در دنیای بیرون بر سر راه سرپرستی زنان به‌وجود آمده و باعث می‌شود تا زنان سرپرست خانوار به‌عنوان قشری آسیب‌پذیر شناخته شوند. شریفی در سال ۱۳۸۹ در مقاله‌ای با عنوان تعیین عوامل مؤثر بر خودکفایی زنان سرپرست خانوار دریافت که زنان سرپرست خانوار به دلیل داشتن نقشهای متعدد، فرصت آموزش را ندارند و معمولاً در مقایسه با دیگر زنان از تحصیلات کمتری برخوردارند. از این‌رو آموزش، نقش مثبتی بر خانواده آنها دارد. همچنین اغلب، بزرگ‌ترین مشکل زنان سرپرست خانوار، مشکل اقتصادی است. از این‌رو هر اقدامی برای کاهش این مشکل مفید خواهد بود. لیتز^۱ و همکارانش در سال ۲۰۰۲ با اندازه‌گیری شاخصهایی مانند وضعیت تأمین مواد غذایی، امکانات آموزشی و... در آمریکا نشان می‌دهند که قانون جدید موجب فقیرتر شدن فرزندان خانواده‌های تک‌والدی شده که زنان سرپرستی آنان را به‌عهده دارند، لذا با طرحهای ادعایی در این زمینه خواستار بازنگری قوانین و برنامه‌ریزیهای اجتماعی و کمک بیشتر به این خانواده‌ها شدند. لیروی^۲ در سال ۲۰۰۴ با بررسی مشکلات مادران خانواده‌های تک‌والدی چنین نتیجه می‌گیرد که مادران و فرزندان خردسال آنان بیش از سایر اقشار، مستعد فرو رفتن در دام فقر هستند، بنابراین بیش از سایر اقشار نیاز دارند تا تحت حمایت‌های بیمه‌ای و خدمات تأمین اجتماعی باقی بمانند، بنابراین به‌نظر او بیرون ماندن چنین خانواده‌هایی از چتر حمایتی و اجتماعی، مانند خریدن بلیت قطار سریع‌السیری برای سفر به اعماق فقر و مشکلات اقتصادی و اجتماعی است.

1. Lyter
2. Le Roy

مبانی نظری

مفهوم امنیت اجتماعی^۱ و احساس ناشی از آن در پی توسعه تحلیلهای جدید امنیتی و پس از جنگ سرد در اروپا مطرح شد. این مفهوم، نخست به عنوان یک رویکرد مفهومی به وسیله گروه مستقلی از محققان در مؤسسه تحقیقات صلح کپنهاک توسعه پیدا کرده (بیلیگین، ۲۰۰۳) و به صورت توان یک جامعه برای حفاظت از هویت گروهی شان در مقابل تهدیدها واقعی یا فرضی، تعریف شده است (ویور، ۲۰۰۰). به عقیده مولر^۲ (۲۰۰۰)، امنیت اجتماعی به عنوان موضوع هویت ایمن برای گروههای اجتماعی مانند ملتها، گروههای قومی و مذهبی به شمار می آید، به عقیده او امنیت اجتماعی، مقوله ای است که افراد و دولت به همراه یکدیگر در تأمین آن سهیم و شریک اند و از این رو به تدریج و همراه با غیرقابل تفکیک شدن دولت و جامعه از یکدیگر، همین حالت در خصوص ناامنی آن دو مصداق پیدا می کند.

اما عواملی که می توانند هویت یک جامعه را تهدید کنند، ممکن است از سرکوب آزادی بیان تا مداخله در قابلیت های آن برای ابراز و بیان خود تنوع داشته باشد. به باور بوزان، این عوامل ممکن است مشتمل بر این موارد باشند: ممنوعیت به کارگیری زبان، نامها، لباسها از طریق بستن مکانهای آموزشی و دینی یا تبعید و کشتار اعضای یک اجتماع (روی، ۳، ۲۰۰۵). بدین ترتیب، بیشتر تهدیدها برای افراد، ناشی از این حقیقت است که آنها در محیط انسانی به سر می برند و این محیط، به وجود آورنده انواع فشارهای غیرقابل اجتناب اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. با توجه به این که افراد اولین منبع ناامنی یکدیگرند، مسأله امنیت افراد، ابعاد گسترده تر اجتماعی و سیاسی پیدا کرده است (بوزان، ۱۹۹۱). از نظر میزان میتار هر گروه اجتماعی اگر از میزان جمعیت، اطلاعات، فضا یا سرزمین، تکنولوژی و سازماندهی

1. societal security
2. Moller
3. Roey

بیشتر برخوردار باشد از امنیت اجتماعی بیشتر نسبت به سایر گروهها که بهره کمتری از متغیرهای فوق دارند، برخوردار است (میتار^۱، ۱۹۹۶). می توان گفت امنیت اجتماعی عبارت است از: قابلیت حفظ شرایط قابل قبول داخلی برای تکامل الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، انجمنها، رسوم و هویت ملی و مذهبی (واتسون^۲، ۲۰۰۵). مطالعات انتقادی در حوزه امنیت به وسیله گسترش و عمق بخشیدن به مفهوم امنیت و رد جایگاه برتر دولت به مثابه مرجع و هم عامل و کارگزار امنیت، نه تنها توانست مسیری را که در آن مرجع امنیت به صورت سنتی تصور می شد تغییر دهد، بلکه اهداف و نظرات مطالعات کلاسیک امنیت را نیز دگرگون ساخت (کروز^۳، ۱۹۹۶).

کنت، توافق ذهنها بر اصول اخلاقی را علت نظم اجتماعی می داند و ناهماهنگی عمیق فکری و به عبارت دیگر هرج و مرج فکری را اساس بی نظمی اجتماعی به حساب می آورد. امیل دورکیم نیز مانند کنت از نابسامانی اجتماعی بیزار و هراسان بود و معتقد بود که می توان نابسامانیهای اجتماعی را با اصلاحات اجتماعی کاهش داد. همچنین دورکیم همبستگی اجتماعی را عامل حفظ و بقای جامعه می داند که نظم اجتماعی را به همراه دارد که خود معلول اشتراک اخلاقی و اخلاقیات مشترک است (کوزر، ۱۳۹۰). اما پارسونز از پیشگامان معاصر جامعه شناسی نظم محسوب می شود. اگرچه مسئله اساسی در نظریه تحلیلی کنش پارسونز همان نظم اجتماعی است، اما وی معتقد بود که منافع فردی و کنش عقلانی و سودجویانه به تنهایی برای برقراری نظم کافی نیست، به این ترتیب در نظریه سیستمی پارسونز، هنجارهای اجتماعی به عنوان یک سیستم در نظر گرفته می شوند و کارکرد نظام اجتماعی نیز ایجاد و حفظ یکپارچگی کل نظام است. همچنین در این فرآیند، فراگردهای ملکه ذهن ساختن و اجتماعی کردن نیز اهمیت اساسی دارند و به این ترتیب

1. Mitar
2. Watson
3. Krause

پارسونز بیش از آنکه به شیوه‌های انتقال هنجارها و ارزشهای یک نظام توجه کند به کنشگران درون نظام علاقه‌مند است که در فرآیند اجتماعی شدن موفق، در واقع این هنجارها و ارزشها ملکه ذهن افراد می‌شوند (ریتزر، ۱۳۹۰).

از مهم‌ترین صاحب‌نظران مکتب کنترل اجتماعی، تراویس هیرشی^۱ است. وی معتقد است کجروی ناشی از ضعف یا گسستگی تعلق فرد به جامعه است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳). به اعتقاد هیرشی بزهکاری زمانی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شود یا به کلی از بین برود (مشکاتی، ۱۳۸۱). به‌طور خلاصه هیرشی معتقد است انسانها به‌وسیله چهار عنصر زیر به هم پیوند می‌خورند: وابستگی، تعهد، درگیری و باورهای فرد به قواعد اخلاقی و اجتماعی (ستوده، ۱۳۸۷).

نظریه‌پردازان کنترل اجتماعی معتقدند برای این‌که بتوان نظم اجتماعی را برقرار نگاه داشت، باید رفتارهای اجتماعی الگو شده‌ای را از طریق فراگرد اجتماعی شدن و به کمک نظارت اجتماعی به اعضای جامعه تلقین یا تحمیل کرد. طبق این نظریه، کنترل و نظارت اجتماعی می‌تواند یکی از عوامل مهم اجتماعی شدن و هم‌نوایی یا جامعه‌باشد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۵). علاوه بر صاحب‌نظران کنترل اجتماعی، برخی دیگر از جامعه‌شناسان نیز به اهمیت نقش و کارکرد دولت در برقراری نظم و امنیت در جامعه اشاره کرده‌اند. به‌عنوان مثال، باری بوزان^۲ در کتاب خود تحت عنوان «مردم، دولت‌ها و هراس» مطرح می‌کند: از آنجایی که جامعه از افراد مختلفی که دارای منافع و مناسبات متفاوتی هستند، تشکیل شده است، پس این افراد در جامعه خود به‌عنوان منبع ناامنی تلقی می‌شوند، به‌طوری که هرکس به دنبال تأمین منافع خود است، اما به تدریج افراد در اثر آگاهی و پی بردن به تهدیدات و منابع ناامنی خود و برای حفظ خویش و دارایی‌شان، آماده واگذاری آزادی خود به مرجع مستقلی به نام دولت می‌شوند. به تدریج این وضعیت به‌صورت سازوکاری در می‌آید که از

1. Trauos Hirschi

2. Barry Buzan

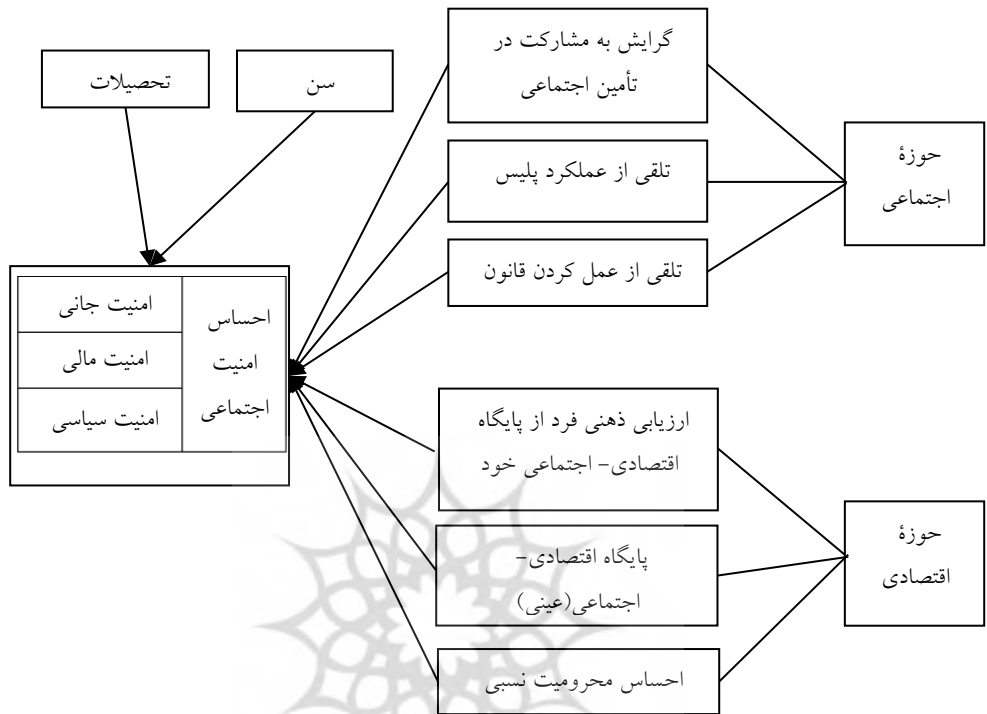
طریق آن مردم درصدد دستیابی به سطوح کافی از امنیت در مقابل تهدیدهای جامعه هستند (بوزان، ۱۳۷۸). براساس این دیدگاه، هرچه یک جامعه دارای دولت و ساختار سیاسی قوی و قدرتمندتری باشد، امنیت افراد بهتر و با هزینه کمتری تأمین می‌شود، اما در کشورهایی که ساختار حکومت به خوبی نهادینه نشده و ضعیف باشد، افراد برای تأمین امنیت خود به سازوکارها و ابزارهای اجتماعی متوسل می‌شوند. خانواده، ایل، سازمانهای مذهبی و محلی در این‌گونه جوامع نقش مرکزی پاسخگویی به نیازهای امنیتی فردی را بازی می‌کنند (بوزان، ۲۰۰۰).

والتر رکلس^۱، از صاحب‌نظران مکتب کنترل اجتماعی معتقد است: عضویت افراد در گروههای مختلف اجتماعی و روابط متقابل آنها می‌تواند تعیین‌کننده نوع رفتار افراد در شرایط خاص زندگی باشد و می‌تواند فرد را به سوی انحراف و کجروی بکشانند یا از انحراف بازدارد که می‌تواند امنیت اجتماعی را تهدید کند (شیرازیان، ۱۳۸۷). به‌همین جهت بسیاری از جامعه‌شناسان علل ارتکاب جرم را در جامعه، وضع نابسامان اقتصادی و اجتماعی آن دانسته و معتقدند: هیچ‌کس بالفطره مجرم و بزهکار نیست و از این جهت، فرد را مقصر نمی‌دانند و می‌گویند اوضاع اقتصادی و شرایط نامساعد اجتماعی عامل ارتکاب جرم است (فرجاد، ۱۳۸۲). موضوع امنیت محل سکونت آن‌قدر برای شهروندان مهم است که در برخی از جوامع مانند فرانسه به محلات و شهرکهای دارای نرخ بالای آسیبهای اجتماعی به‌عنوان محل امنیت، محله‌های حساس، مسئله‌دار، شهرکهای ممنوعه- تقریباً مشابه اصطلاحاتی که در افکار عمومی جامعه ما به‌عنوان محله‌های خلاف، خطرناک و... جاری است، اطلاق می‌شود. در ایران نیز پژوهشهای انجام شده در زمینه ناامنی محل سکونت نشان می‌دهد که ویژگیهای یک مکان ناامن عبارتند از: وجود فضای خالی پشت ارتفاعی که دید ناظران را از بین می‌برد، فرورفتگیها و قطع ارتباط بصری که موجب ایجاد

1. Valtter Reckles

امنیت برای بزهکاران می‌شود. همچنین زیرگذرها، گودها و زیرپله‌ها از جمله فضاهای غیرقابل دفاع هستند (پودراتچی، ۱۳۸۱).

دورکیم، مذهب را مظهر همبستگی اجتماعی می‌داند و معتقد است که هیچ دین دروغینی وجود ندارد. وی دین را به مثابه حقیقتی می‌داند که دارای کیفیتی مختص خود است؛ به این معنی که نمایشها یا نمادهای دینی نه توهم محض‌اند و نه جانشین پدیده‌های دیگر، بلکه آنها در اذهان افراد وجود دارند تا از محرکهای خودمدارانه ممانعت کنند و فرد را به طریقی تحت انضباط درآورند که بتواند به‌طور عینی به واقعیت بیرونی پردازد (جلالی‌مقدم، ۱۳۷۹). اگرچه امنیت مسئله مهمی است، اما بسیاری از جامعه‌شناسان احساس امنیت را مهم‌تر و ضروری‌تر از وجود امنیت توصیف می‌کنند و معتقدند عوامل بسیاری در فقدان یا کمبود این احساس در جوامع مختلف دخیل‌اند. همچنین بسیاری از دانشمندان معتقدند که امنیت یک پدیده احساسی و ادراکی است و بیشتر به احساس روانی شهروندان از عوامل تهدیدکننده جرم برمی‌گردد و ممکن است میزان احساس ناامنی فرد با واقعیت خارجی میزان عوامل تهدیدکننده مطابقت نداشته باشد یا برعکس، متناسب به میزان و اثر عوامل تهدیدکننده، میزان احساس ناامنی فرد نیز در نوسان باشد و آن را در دو بعد عینی و ذهنی در نظر می‌گیرند (بوزان و همکاران، ۱۹۹۸). بنابراین نمی‌توان بیان کرد در جامعه‌ای که امنیت وجود دارد، حتماً احساس امنیت نیز وجود دارد، در کل می‌توان گفت امنیت در معنای عینی، فقدان تهدید نسبت به ارزشهای کسب‌شده و در معنای ذهنی یعنی فقدان هراس از این‌که ارزشهای مزبور مورد حمله قرار گیرد (بوزان، ۱۳۷۸). مولر در باب امنیت اجتماعی را از باب هدف و مرجع امنیت (یعنی تأمین امنیت برای چه کسانی است) و نوع تهدیدها (خطرات و آسیبهایی که مبارزه با آنها هدف امنیت محسوب می‌شود) از یکدیگر متمایز کرده است. او امنیت را در سه شکل ملی، اجتماعی و انسانی در نظر گرفته و به تعیین حدود مرز هریک از آنها می‌پردازد (مولر، ۲۰۰۰).



شکل (۱) مدل نظری مبنی بر عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با احساس امنیت اجتماعی در بین زنان

می‌توانیم بگوییم که حفظ نظم و امنیت در نظریه پارسونز تنها به ابزارهای نظارت و کنترل بیرونی خلاصه نمی‌شود، بلکه ابزار درونی کنترل و عنصر اجتماعی کردن را نیز دربر می‌گیرد. به عقیده پارسونز، متغیرهای الگویی، دو شیوه متفاوت گرایشهای ارزشی در نقشی است که از فرد انتظار می‌رود در هر نظام اجتماعی ایفا کند. بدین معنی در موقعیتهایی که

تهدید و ناامنی متوجه اجتماع می‌شود، از فرد انتظار می‌رود گرایشهای در جهت تأمین امنیت اجتماع و محیط، از خود نشان دهد. این امر به‌عنوان ابزار کنترل درونی در اجتماع عمل کرده و تنها به واسطه اجتماعی شدن صحیح، صورت‌پذیر خواهد بود. بدین سان، حفظ نظم و امنیت اجتماعی در نظریه پارسونز، مبتنی بر دو عنصر: ۱- اجتماعی کردن و ابزار درونی کنترل، و ۲- نظارت اجتماعی و ابزار بیرونی کنترل است (ریترز، ۱۳۹۰). شکل شماره (۱) که مدل نظری تحقیق است، برگرفته از چارچوب نظری تحقیق مبتنی بر آراء باری بوزان، ال ویور و تالکوت پارسونز می‌باشد.

روش

۱- روش تحقیق، جامعه آماری و حجم نمونه

روش پژوهش حاضر پیمایشی بوده که زنان سرپرست خانوار شهرستان مریوان به‌عنوان جامعه آماری انتخاب شده‌اند. نمونه آماری شامل تمامی زنان سرپرست خانوار است که ۱۱۲ نفرند و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه بوده است.

۲- سنجش‌ها

احساس امنیت اجتماعی: با تکیه بر آراء بوزان و ویور که نقطه آغازین امنیت را ذهنی و مبتنی بر تصمیم کنشگران معرفی می‌کنند، متغیر وابسته تحقیق احساس امنیت اجتماعی در نظر گرفته شده است. احساس امنیت اجتماعی به فقدان هراس از این‌که ویژگیهای اساسی و ارزشهای انسانی مورد تهدید قرار گیرند یا به مخاطره بیفتند. همچنین، آن به نبود ترس از تهدید حقوق و آزادیهای مشروع گفته می‌شود (افشار، ۱۳۸۵). احساس امنیت اجتماعی در این مطالعه به سه بعد امنیت مالی، امنیت جانی و امنیت سیاسی تقسیم شده است:

(۱) امنیت جانی: هرگونه تهدیدی که بر علیه جان انسانها وجود داشته باشد، امنیت جانی آنها را از بین می‌برد. بنابراین شرایط امنیت جانی شرایطی است که هیچ‌گونه تهدیدی بر علیه

جان افراد جامعه وجود نداشته باشد. معرفهای این متغیر، عمدتاً از تحقیقات ناجا (۱۳۸۴) و (۱۳۸۵) اخذ شده است.

۲) امنیت مالی: منظور از امنیت مالی این است که دارایی و اموال افراد تا چه حد در امنیت است و این داراییها مورد تهدید قرار نمی‌گیرند (صمدی بگه‌جان، ۱۳۸۴). معرفهای بعد امنیت مالی، عمدتاً از تحقیقات ناجا (۱۳۸۳ و ۱۳۸۴) و صمدی بگه‌جان (۱۳۸۴) اخذ شده است.

۳) امنیت سیاسی: امنیت سیاسی، یعنی افراد جامعه تا چه حد احساس می‌کنند که می‌توانند، باورهای خود را آزادانه بیان کنند و فعالیتهای سیاسی، پیامد منفی برای آنها نداشته باشد (همان: ۷۴). برای ساخت این شاخص، عمدتاً از تحقیقات کاملاًسعید و صمدی بگه‌جان (۱۳۸۴) الهام گرفته شده است.

گرایش به مشارکت در تأمین امنیت: منظور از آن، تمایل پاسخگو و آمادگی روانی برای اقدام به رفتارهای مشارکت‌جویانه در زمینه تأمین امنیت است (خوشفر، ۱۳۷۸). برای عملیاتی کردن این متغیر، از ۴ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است که جمع این ۴ گویه در قالب مقیاس شبه‌فاصله‌ای مطرح می‌باشد. شاخصهای این متغیر عمدتاً از تحقیق خوشفر (۱۳۷۸) انتخاب شده‌اند.

تلقی از عملکرد پلیس: عملکرد پلیس به‌عنوان ابزار کنترل بیرونی افراد می‌تواند در ایجاد احساس امنیت اجتماعی مؤثر باشد که شامل در دسترس بودن، حضور مستمر در محیطهای عمومی و رضایت از عملکرد است (افشار، ۱۳۸۵). جهت عملیاتی کردن این مفهوم از ۴ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است که جمع این ۴ گویه در قالب مقیاس شبه‌فاصله‌ای مطرح می‌باشد.

تلقی از عملکرد قانون: متغیرهای تلقی از عملکرد قانون و تلقی از عملکرد پلیس مستقیماً از نظریه پارسنز اخذ شده و در انتخاب شاخصها از تحقیق خوشفر (۱۳۷۸) بهره

گرفته شده است. برای عملیاتی کردن تلقی از عملکرد قانون، از ۴ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است که جمع این ۴ گویه در قالب مقیاس شبه‌فاصله‌ای مطرح می‌باشد.

پایگاه اقتصادی-اجتماعی: نظام قشربندی اجتماعی، افراد را برحسب میزان برخورداری‌شان از کیفیتهای مطلوب، رتبه‌بندی کرده و آنها را در طبقات اجتماعی متناسب با وضعیت‌شان جای می‌دهد (کوئن، ۱۳۷۸؛ به نقل از خوشفر، ۱۳۷۸). متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی در مقاله حاضر به دو شیوه عینی و ذهنی، عملیاتی شده است. شاخصهای مربوط به شیوه عینی، شامل سطح تحصیلات، نوع شغل، میزان درآمد و نوع مسکن است. منظور از ارزیابی ذهنی فرد از پایگاه اقتصادی-اجتماعی، ارزیابی پاسخگو از جایگاه خود در ساختار اجتماعی از دیدگاه خود اوست که می‌تواند به‌عنوان متغیر اثرگذار محسوب شود. ارزیابی ذهنی فرد از پایگاه اقتصادی-اجتماعی در قالب طیف لیکرت پنج گزینه‌های اندازه‌گیری شده است.

احساس محرومیت نسبی: محرومیت نسبی، به‌صورت احساس کنشگران بر وجود اختلافات میان انتظارات ارزشی خود و توانایی ارزشی محیط مشخص می‌شود (گر، ۱۹۶۷). شاخص محرومیت نسبی از ترکیب سه سؤال که در قالب طیف لیکرت بوده و جمع آنها در قالب مقیاس شبه‌فاصله‌ای مطرح می‌باشد، ساخته شده است. این معرفیها که توسط تدرابرت گر مطرح شده و بیشتر با حوزه اقتصادی زندگی افراد مرتبط هستند، عبارتند از: مقایسه (برابری یا نابرابری) امکانات رفاهی خانواده، منطقه محل سکونت و وضعیت اقتصادی فرد با دیگران.

۳- روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری

در این تحقیق، روایی پرسش‌نامه توسط اساتید داور و مشاور تأیید و حصول شده و پایایی آن نیز از طریق ضریب آلفای کرونباخ برآورد شده است که مقدار این ضریب برای کل عوامل بالاتر از ۰/۷ بوده است.

جدول (۱) ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پایایی متغیرها

متغیر	α	
گرایش به مشارکت در تأمین امنیت	۰/۶۴	
عملکرد پلیس	۰/۷۱	
عملکرد قانون	۰/۵۲	
ارزیابی ذهنی و عینی فرد از پایگاه اجتماعی-اقتصادی خود	۰/۷۶	
محرومیت نسبی	۰/۸۲	
احساس امنیت اجتماعی	امنیت جانی	۰/۸۱
	امنیت مالی	۰/۷۹
	امنیت سیاسی	۰/۸۷
شاخص کل احساس امنیت اجتماعی (مجموع سه بُعد)	۰/۸۲	

یافته‌ها

توصیف نمونه

یافته‌های توصیفی به دست آمده نشان می‌دهد که میانگین سن جمعیت نمونه ۳۵/۲ سال، حداکثر سن ۷۵ سال و حداقل آن ۲۴ سال است. از کل نمونه آماری مورد نظر ۵۷/۳٪ از سطح درآمد پایینی برخوردارند و ۳۳/۵٪ در سطح درآمد متوسط و ۹/۲٪ در سطح درآمد بالایی قرار داشتند. لازم به ذکر است مراد از درآمد بالا در این پژوهش فقط ۸۰۰ هزار تا یک میلیون تومان است که درصد کمی به خود اختصاص داده است. پایین‌ترین سطح درآمد ۴۰۰ هزار تومان و بالاترین سطح درآمد یک میلیون تومان است.

جدول (۲) آماره‌های توصیفی مربوط به احساس امنیت اجتماعی و ابعاد سه‌گانه آن

شاخص	احساس امنیت اجتماعی	امنیت جانی	امنیت مالی	امنیت سیاسی
M	۴۸/۷	۱۷/۵	۱۲/۳	۱۶/۱
SD	۱۵/۱	۵/۵	۵/۱	۸/۳
S	۲۱۸/۹	۳۲/۷	۲۸/۵	۷۴/۶

از لحاظ سطح تحصیلات، ۳۶/۵٪ از زنان سرپرست خانوار بیسواد و ۲۹/۷٪ ابتدایی و ۱۷/۴٪ راهنمایی و ۱۱/۲٪ دیپلم و ۵/۳٪ از زنان سرپرست خانوار دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر از لیسانس بودند. همچنین میانگین احساس امنیت اجتماعی جمعیت نمونه ۴۸/۷۲ است.

توصیف مؤلفه‌های احساس امنیت اجتماعی

آنچه در بخش توصیفی از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ تفاوت میانگین احساس امنیت جمعیت نمونه در هر یک از ابعاد متغیر وابسته است. به گونه‌ای که افراد نمونه در امنیت مالی، از کمترین میزان احساس امنیت برخوردارند. پس از آن، کمترین میزان احساس امنیت، مربوط به امنیت سیاسی آنها بوده و بیشترین میزان احساس امنیت، مربوط به امنیت جانی است. این نتایج در جدول شماره (۲) قید شده است.

آزمون روابط بین متغیرها

نتایج حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون مؤید آن است که:

۱. سن زنان رابطه‌ای با احساس امنیت اجتماعی آنها ندارد. بدین معنی که زنان سنین مختلف، از احساس امنیت اجتماعی نسبتاً یکسانی برخوردارند ($r=0/016$ ، $p=0/390$).
۲. تحصیلات ارتباط معنی‌داری با احساس امنیت اجتماعی زنان دارد. به این صورت که با بالا رفتن تحصیلات و آگاهی اجتماعی که به نوبه خود عاملی جهت افزایش سرمایه اجتماعی نیز است، احساس امنیت اجتماعی زنان نیز افزایش می‌یابد ($r=0/117$ ، $p=0/031$).
۳. گرایش به مشارکت در تأمین امنیت با احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه دارد.

($p=0/001$, $t=0/170$). نتایج رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد متغیر گرایش به مشارکت در تأمین امنیت، با دو بعد امنیت جانی ($p<0/001$, $t=0/140$) و امنیت سیاسی ($t=0/120$) در ارتباط است، ولی با بعد امنیت مالی ارتباطی ندارد. به علاوه، یافته‌های تحقیق نشان داد، کسانی که نسبت به مشارکت در تأمین امنیت، گرایش بیشتری از خود نشان می‌دهند، از احساس محرومیت نسبی کمتری برخوردارند.

در ضمن، ضریب همبستگی تفکیکی بین متغیر گرایش به مشارکت در تأمین امنیت و متغیر احساس امنیت اجتماعی، با کنترل سایر متغیرهای مستقل (تلقی از عملکرد پلیس، تلقی از عملکرد قانون، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و محرومیت نسبی) برابر با $0/083$ با احتمال $0/251$ است که نشان می‌دهد رابطه فوق رد می‌شود. بدین معنا که ضریب همبستگی پیرسون، زمانی که اثر متغیرهای مستقل دیگر روی گرایش به مشارکت در تأمین امنیت کنترل می‌شود، معنی‌داری خود را از دست می‌دهد.

۴. تلقی زنان از عملکرد پلیس با احساس امنیت اجتماعی در آنها رابطه دارد ($t=0/175$, $p=0/001$). چراکه با افزایش این متغیر، احساس امنیت اجتماعی فرد بیشتر می‌شود. متغیر تلقی از عملکرد پلیس با ابعاد امنیت جانی ($t=0/180$, $p<0/001$) و امنیت مالی ($t=0/130$, $p<0/001$) رابطه قوی دارد، در حالی که با امنیت سیاسی رابطه معنی‌داری را نشان نمی‌دهد. در ضمن، ضریب همبستگی تفکیکی رابطه بین متغیر تلقی از عملکرد پلیس و احساس امنیت اجتماعی، با کنترل سایر متغیرهای مستقل (گرایش به مشارکت در تأمین امنیت، تلقی از عملکرد قانون، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و محرومیت نسبی) برابر با $0/197$ با احتمال $0/008$ است که نشان می‌دهد رابطه فوق تأیید می‌شود. بنابراین ضریب همبستگی پیرسون، زمانی که اثر متغیرهای مستقل دیگر روی تلقی از عملکرد پلیس کنترل می‌شود، نیز معنی‌دار است.

۵. نتایج آزمون رابطه بین تلقی از عملکرد قانون و احساس امنیت اجتماعی نشان داد که رابطه معنی‌داری بین این دو متغیر مشاهده نمی‌شود ($t=0/067$, $p=0/061$)، اما هنگامی که

ارتباط بین تلقی از عملکرد قانون با تک تک ابعاد متغیر وابسته مورد تحلیل قرار گرفت، مشخص شد که این متغیر بر امنیت جانی زنان تأثیر بسزایی دارد. این متغیر با اطمینان زیاد رابطه معنی داری با امنیت جانی ($r=0/170$, $p=0/001$) زنان دارد. به این صورت که هرچه تلقی زنان از عملکرد قانون بهتر باشد، امنیت جانی آنها نیز بیشتر خواهد بود.

در ضمن، همبستگی تفکیکی رابطه بین این متغیر و احساس امنیت اجتماعی، با کنترل سایر متغیرهای مستقل (گرایش به مشارکت در تأمین امنیت، تلقی از عملکرد پلیس، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و محرومیت نسبی) برابر با $0/217$ با احتمال $0/007$ است که نشان می‌دهد رابطه فوق تأیید می‌شود. در این معنا، رابطه متغیر تلقی از عملکرد قانون و احساس امنیت اجتماعی، با کنترل اثر سایر متغیرهای مستقل، معنی دار و منفی است.

۶. پایگاه اجتماعی-اقتصادی، هم با در نظر گرفتن شاخصهای ذهنی ($r=0/440$, $p=0/001$) و هم با در نظر گرفتن شاخصهای عینی ($r=0/751$, $p=0/004$) با احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه مثبت و معنی داری دارد. بنابراین زنان متعلق به طبقه اجتماعی بالا از احساس امنیت اجتماعی بیشتری نسبت به زنان متعلق به طبقه اجتماعی پایین برخوردارند. این متغیر با توجه به شاخصهای ذهنی، با هر سه بعد احساس امنیت یعنی امنیت جانی ($r=0/160$, $p=0/007$)، امنیت مالی ($r=0/250$, $p<0/001$) و امنیت سیاسی ($r=0/160$, $p=0/019$) رابطه دارد و با در نظر گرفتن شاخصهای عینی، تنها با امنیت سیاسی ($r=0/110$, $p=0/019$) در ارتباط است.

در ضمن، همبستگی تفکیکی رابطه بین متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی، با کنترل سایر متغیرهای مستقل (گرایش به مشارکت در تأمین امنیت، تلقی از عملکرد پلیس، تلقی از عملکرد قانون و محرومیت نسبی)، با در نظر گرفتن شاخصهای عینی، برابر با $0/038$ با احتمال $0/346$ است که نشان می‌دهد رابطه فوق رد می‌شود. لذا در صورت کنترل اثر سایر متغیرهای مستقل روی ما غیرپایگاه اقتصادی - اجتماعی، این متغیر رابطه خود را با متغیر وابسته از دست می‌دهد.

جدول (۳) نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و احساس امنیت اجتماعی

متغیر	r	p
سن	۰/۰۱۶	۰/۳۹۰
تحصیلات	۰/۱۱۷	۰/۰۳۱
گرایش به مشارکت در تأمین امنیت	۰/۱۷۵	۰/۰۰۱
تلقی از عملکرد پلیس	۰/۲۱۱	<۰/۰۰۱
تلقی از عملکرد قانون	۰/۰۶۷	۰/۰۶۱
پایگاه اقتصادی-اجتماعی ذهنی	۰/۴۴۰	۰/۰۰۱
پایگاه اقتصادی-اجتماعی عینی	۰/۷۵۱	۰/۰۰۴
احساس محرومیت نسبی	-۰/۱۶۳	۰/۰۰۲

۷. اما، محاسبه همبستگی تفکیکی رابطه بین شاخصهای ذهنی پایگاه اقتصادی- اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی نشان داد که این ضریب برابر با ۰/۳۲۴ با احتمال <۰/۰۰۱ است که نشان می‌دهد رابطه فوق تأیید می‌شود. در این معنا، ضریب همبستگی پیرسون بین شاخصهای ذهنی پایگاه و متغیر وابسته، زمانی که اثر متغیرهای مستقل دیگر کنترل می‌شود، با اطمینان قوی افزوده می‌شود.

۸. متغیر احساس محرومیت نسبی، رابطه معکوس (منفی) با احساس امنیت اجتماعی زنان دارد ($r = -0.163, p = 0.002$). بدین معنی که هرچه زنان احساس محرومیت نسبی بیشتری داشته باشند، احساس امنیت اجتماعی کمتری خواهند داشت، درحالی که با کاهش این متغیر، احساس امنیت اجتماعی آنها افزایش خواهد یافت. احساس محرومیت نسبی، با دو بعد متغیر وابسته یعنی امنیت جانی ($r = 0.110, p = 0.005$) و امنیت سیاسی ($r = 0.170, p < 0.001$) رابطه قوی دارد و با امنیت مالی رابطه معنی‌داری ندارد.

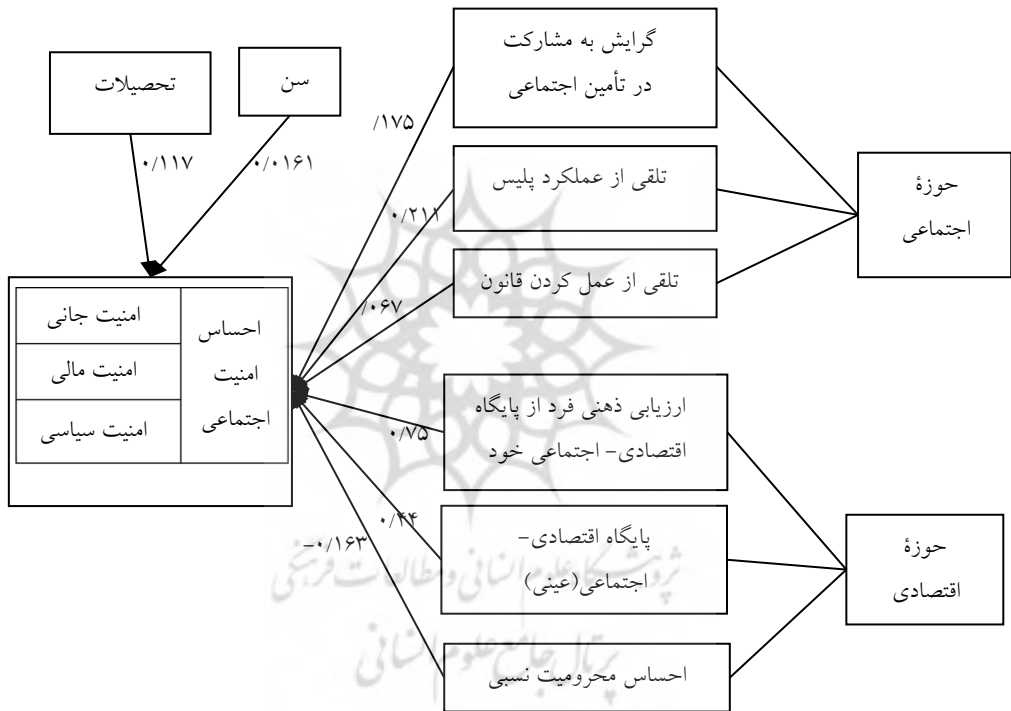
در ضمن، ضریب همبستگی تفکیکی رابطه بین متغیر محرومیت نسبی و احساس امنیت اجتماعی، با کنترل سایر متغیرهای مستقل (گرایش به مشارکت در تأمین امنیت، تلقی از عملکرد پلیس، تلقی از عملکرد قانون، پایگاه اقتصادی-اجتماعی)، برابر با ۰/۱۷۰ با احتمال $< 0/001$ است که نشان می‌دهد رابطه فوق تأیید می‌شود. در واقع، ضریب همبستگی پیرسون بین محرومیت نسبی و احساس امنیت اجتماعی، در صورتی که اثر دیگر متغیرهای مستقل روی متغیر وابسته کنترل شود، افزوده می‌شود.

پیش‌بینی نقش متغیرهای مستقل در احساس امنیت اجتماعی زنان

در این پژوهش برای تعیین نقش متغیرهای مستقل در پیش‌بینی تغییرات احساس امنیت اجتماعی در زنان، از روش رگرسیون چندمتغیره (همزمان) استفاده شده است که در آن تمامی متغیرهای مستقل اثر معنی‌داری روی احساس امنیت اجتماعی زنان داشتند. نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه معادل ۰/۶۱ محاسبه شده است که بیانگر این مطلب است که ۶ متغیر گرایش به مشارکت در تأمین امنیت، تلقی از عملکرد پلیس، پایگاه اجتماعی-اقتصادی (ذهنی و عینی)، تلقی از عمل کردن قانون و احساس محرومیت نسبی به‌طور همزمان ۰/۶۱ با احساس امنیت اجتماعی همبستگی دارند. واریانس تبیین شده از احساس امنیت اجتماعی زنان از سوی این ۶ متغیر، برابر با ۰/۳۵ است که نشان می‌دهد ۳۵٪ از تغییرات احساس امنیت اجتماعی زنان از طریق این ۶ متغیر قابل توضیح است و ۶۵٪ باقیمانده متعلق به عوامل دیگری است که خارج از این بررسی هستند. همچنین، درجه تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر احساس امنیت اجتماعی زنان به این شکل بوده است: گرایش به مشارکت در تأمین امنیت با ضریب ۰/۱۷۰، تلقی از عملکرد پلیس با ضریب ۰/۲۱۰، پایگاه اجتماعی-اقتصادی (ذهنی و عینی) به ترتیب با ضرایب ۰/۴۴۰ و ۰/۷۵۰، تلقی از عمل کردن قانون با ضریب ۰/۰۶۷ و احساس محرومیت نسبی با ضریب ۰/۱۶۵-.

جدول (۴) خلاصه مدل رگرسیون چندمتغیره برای تبیین احساس امنیت اجتماعی زنان

p	F	$R^2_{adj.}$	R^2	r
$<0/001$	۸۵/۴۶	۰/۳۵	۰/۳۶	۰/۶۱



شکل (۲) مدل رگرسیونی تأثیر متغیرهای مستقل بر احساس امنیت اجتماعی زنان

بحث

در مقاله حاضر احساس امنیت اجتماعی افراد در سه بعد امنیت جانی، امنیت مالی و امنیت سیاسی مورد بررسی قرار گرفت و نتایج حاکی از آن است که زنان سرپرست خانوار، در امنیت مالی از کمترین میزان احساس امنیت برخوردارند که در واقع نشان‌دهنده این است که چترهای حمایتی و سازمانهای مربوط، در این زمینه نتوانسته کارآیی خود را نشان دهند و حتی چنانچه در مباحث نظری ذکر شد، هدفمندی یارانه‌ها نیز از آنجایی که موجبات تورم و گرانی را برای جامعه به بار آورد، در زمینه مهیا کردن امنیت مادی و مالی برای این قشر چندان مثرتر نبوده است. همچنین نتایج این بعد از امنیت حاکی از این است که حتی تصویب قوانین در کشور برای حمایت از این قشر آسیب‌پذیر نتوانسته محملی برای امنیت فراهم آورد، زیرا مشکلات مربوط به برنامه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و رفاهی چه در بعد برنامه‌ریزی و چه در بعد مدیریتی و اجرایی به مانند سایر بخشهای مختلف در زمینه مددکاری و رفاه ناموفق بوده است. پس از آن، کمترین میزان مربوط به امنیت سیاسی افراد است و بیشترین میزان احساس امنیت افراد، مربوط به امنیت جانی آنهاست که نتایج امنیت جانی موید کاهش روند جرم و جنایت در شهرستان مریوان و افزایش روند اشتغال است (مرکز آمار استان، ۱۳۸۹) که این مؤلفه‌ها می‌تواند نه تنها بر احساس امنیت زنان سرپرست خانوار، بلکه بر احساس امنیت سایر اقشار نیز تأثیرگذار باشد. مقادیر به دست آمده برای ابعاد متغیر وابسته، نتایج تحقیق صمدی بگه‌جان (۱۳۸۴) را تأیید می‌کند؛ چراکه به نظر می‌رسد شهرهای مورد بررسی در تحقیق صمدی بگه‌جان (سندج) و مقاله حاضر (مریوان)، به لحاظ ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شباهتهای بیشتری را دارا هستند.

در بخش استنباطی و تحلیل اطلاعات، علاوه بر بررسی روابط بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته؛ روابط بین برخی متغیرهای مستقل به منظور تحلیل عمیق‌تر اطلاعات و ضرایب همبستگی تفکیکی به منظور اطمینان از خلوص روابط، نیز مورد بررسی قرار گرفتند.

این اقدام نشان داد که متغیرهای موجود در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی، روابط تنگاتنگی با هم دارند و علاوه بر این که به صورت مستقیم بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارند، همچنین با اثرگذاری روی هم نیز می‌توانند بر احساس امنیت افراد مؤثر باشند. روابط و تأثیرات متغیرهای مستقل بر هم و بر متغیر وابسته در این تحقیق، نمونه کاملی از پیچیدگی تحقیقات در علوم انسانی و اجتماعی محسوب می‌شود. بررسی روابط بین متغیرها نشان داد که افراد در سنین مختلف از احساس امنیت نسبتاً یکسانی برخوردارند. میانگین احساس امنیت اجتماعی بین زنان با تحصیلات بالا و متوسط و پایین تنها در بعد امنیت جانی با هم متفاوت است و معنادار بودن نتایج فرضیه با ضریب همبستگی کمتر از سطح متوسط ($t=0/117$ ، $p=0/031$)، این امر را تأیید می‌کند که در مقایسه بین پنج سطح تحصیلی، زنان با تحصیلات پایین از امنیت جانی کمتری برخوردارند. این امر نشان می‌دهد تحصیلات موجب آگاهی از وضعیت سیاسی و امنیتی کشور بوده و در نتیجه زنان فضای محیطی را امن‌تر تجربه می‌کنند.

یافته‌های تحقیق نشان داد که از یک سو، گرایش به مشارکت در تأمین امنیت بر احساس امنیت اجتماعی افراد تأثیر بسزایی دارد و از سوی دیگر، پایین بودن احساس محرومیت نسبی عاملی است که فرد را بیشتر به طرف مشارکت در تأمین امنیت سوق می‌دهد. این تحقیق نشان داد که تلقی فرد از عملکرد پلیس بر احساس امنیت اجتماعی تأثیر بسزایی دارد، اما تلقی فرد از عملکرد قانون تنها بر امنیت جانی او اثرگذار است. این رابطه با کنترل اثر سایر متغیرها، نتایج قابل تأملی را به دست داد؛ یعنی در صورت اعمال چنین کنترلی، تلقی فرد از عملکرد قانون و احساس امنیت اجتماعی وی به صورت معکوس نمایان شد. از دیگر یافته‌های تحقیق، تأثیر طبقه اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی افراد بود. افراد طبقات اجتماعی بالا، از احساس امنیت اجتماعی بیشتری نسبت به افراد طبقات اجتماعی پایین برخوردارند. همچنین احساس محرومیت نسبی، تأثیر معکوسی بر احساس امنیت اجتماعی

افراد دارند. یعنی با افزایش این عامل، احساس امنیت اجتماعی فرد کاهش می‌یابد و بالعکس. رابطه متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی، در اکثر مطالعات پیشین امنیت بررسی و تأیید شده است.

الگویی که این تحقیق برای ارتقاء احساس امنیت اجتماعی ارائه می‌دهد، در پیشنهادها و راهکارهای ذیل نهفته است. زنان سرپرست خانوار به‌عنوان پایه و اساس نهاد خانواده در سراسر جهان، هنگام از دست دادن همسرانشان یا بیماری یا بیکاری آنان، سرپرستی و اداره خانواده را برعهده می‌گیرند. بدین لحاظ با مشکلات و موانع عدیده اقتصادی و اجتماعی و قانونی روبه‌رو می‌شوند. آنها به ناچار مسئول انجام کارهای اداری و امور آموزشی و درمانی و... هستند، لذا فضاهای صرفاً مردانه احساس امنیت را از آنها سلب می‌کند؛ چراکه به دلیل نگرش سنتی و منفی که جامعه به آنان دارند، روابط و ارتباطات اجتماعی کمتری دارند. آنان نسبت به زنان دارای همسر احساس خطر بیشتری به امنیت ارتباطی خود دارند، لذا توانمندسازی زنان و فراهم کردن امنیت اجتماعی آنان سبب بالارفتن اعتماد به نفس شده و کسب یک هویت مستقل موجب بهبود وضعیت اجتماعی آنان می‌شود. با آموزش مهارت‌های زندگی، حرفه‌ای، کارآفرینی، اشتغال‌خانگی و... به آنان یا فرزندان‌شان و مشارکت دائم آنان در فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی، بخشی از امنیت اجتماعی آنان تأمین می‌شود. اگرچه در جامعه ایران دولت تسهیلاتی را فراهم کرده، اما با توجه به گستره مشکلات، پایین بودن نرخ پرداختهای دولتی به این زنان و تورم بالا، این تسهیلات نمی‌تواند پاسخگوی مشکلات این قشر در معرض آسیب باشد. برای حل یا تخفیف مشکل باید تدابیر جدی‌تری به‌کار گرفته شود و چنین تدابیری در صورتی مفید خواهد بود که مبتنی بر مطالعات عمیق جامعه‌شناختی و پی بردن به لایه‌های زیرین این مسئله مهم اجتماعی باشد.

از دیگر پیشنهادها کاربردی مرتبط با این پژوهش می‌توان به حساس‌سازی کمیته امداد و مسئولان این نهاد جهت گسترش چتر حمایت مالی و برگزاری دوره‌های تخصصی

کارآفرینی برای این زنان اشاره کرد. این نهاد می‌تواند با برگزاری کارگاههای فنی و حرفه‌ای و رشد خوداشتغالی مانند فرش‌بافی و گلیم‌بافی و دوخت لباسهای محلی که در کردستان رایج و منبعی معیشتی محسوب می‌شود، زمینه‌های خوداتکایی و استقلال اقتصادی را فراهم کند که این مورد باعث افزایش امنیت مالی و به تبع آن سایر ابعاد امنیت خواهد شد. همچنین، با توجه به نتایج پژوهش که حاکی از سطح تحصیلات و مشارکت پایین این قشر است، می‌توان پیشنهاد داد که مؤسسات خیریه، NGOها و معاونت اجتماعی شهرداری، با برگزاری کارگاههای آموزشی در قالب مهارت‌های زندگی، سرمایه اجتماعی و اعتماد، سلامت روانی و اجتماعی زمینه‌های آگاهی و مشارکت اجتماعی این زنان را افزایش دهد که زمینه‌های رشد امنیت سیاسی و جانی را فراهم آورند.

همچنین می‌توان پیشنهاد داد که توجه بیشتر دولت در سیاست‌گذاریهای اجتماعی و برنامه‌ریزیهای اجتماعی برای مثال فاز دوم یارانه‌ها، به‌صورتی که یارانه‌های افرادی که نیازمند نیستند و تمکن مالی مناسبی دارند، حذف و به این قشر و سایر اقشار نیازمند اختصاص یابد، می‌تواند در جهت افزایش رفاه و تأمین اجتماعی زنان سرپرست خانوار مؤثر واقع شود.

همچنین افزایش فرصتهای آموزشی برای فرزندان این قشر و حمایت‌های نهادهای آموزشی برای ادامه تحصیلات آنان به‌صورتی که مجبور به کارکردن در سن پایین، جهت کمک به تأمین اقتصاد خانواده نباشد، می‌تواند به آرامش روانی و اجتماعی این مادران کمک شایانی کند و از نگرانیهای آینده فرزندان آنان تا حد زیادی بکاهد که خود این رفع نگرانی، می‌تواند به افزایش احساس امنیت اجتماعی آنان منجر شود. در این صورت تمامی پیشنهادهای مذکور می‌تواند جهت رشد خوداتکایی و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار مؤثر و مفید باشد.

در کل پیشنهادهای زیر چنانچه در برنامه‌ریزیهای امنیتی به‌کار بسته شوند، می‌توانند تا

حد قابل توجهی امنیت اجتماعی زنان و در نتیجه احساس امنیت اجتماعی در سطح جامعه را ارتقا بخشند. طبق نتایج تحقیق:

توزیع عادلانه امکانات و ثروت و کاهش فاصله طبقاتی و محرومیت نسبی از یک سو بر احساس امنیت اجتماعی جامعه افزوده و از سوی دیگر موجب فراهم شدن بستری برای مشارکت مردم در تأمین امنیت اجتماعی جامعه خواهد شد. همچنین این تحقیق نشان داد که طبقه اجتماعی افراد، از یک سو ارتباط مستقیمی با احساس امنیت اجتماعی افراد دارد و از سوی دیگر، با اثرگذاری بر دیگر متغیرها با احساس امنیت اجتماعی آنان مرتبط می‌شود. بنابراین، توزیع عادلانه شاخصهای پایگاه اقتصادی- اجتماعی و کاهش فاصله طبقاتی در جامعه، نخستین پیشنهاد جهت ارتقاء احساس امنیت اجتماعی به‌ویژه در بین افراد متعلق به طبقات اجتماعی پایین تر است.

در ادامه می‌توان گفت که اقدام جهت کاهش احساس محرومیت نسبی از طریق ایجاد فرصتهای برابر و توزیع عادلانه امکانات، دیگر پیشنهاد این تحقیق جهت ارتقاء احساس امنیت اجتماعی و نیز بهبود مشارکت افراد در تأمین امنیت است. بدیهی است که وجود مساوات و احساس وجود مساوات، همچنین قرار گرفتن افراد جامعه در معرض منافع و مخاطرات برابر از اصلی‌ترین شرایط برقراری امنیت بوده و در این صورت کنترل‌های اجتماعی (عملکرد پلیس و قانون) مشکلی محسوب نشده و ابزاری برای کمک به شمار می‌آید. راهکارها از حیث زمانی میان‌مدت یا درازمدت هستند، زیرا عمدتاً مربوط به جوهی هستند که اجرای آنها نیاز به زمان- برای ایجاد تغییر و تحول مناسب- دارد. در وهله اول می‌توان گفت این نوع تحقیقات باید به‌صورت مقطعی تکرار شوند تا مشخص شود در این مدت احساس آرامش و امنیت اجتماعی و عوامل تأثیرگذار بر آن در بین زنان چه تفاوتی کرده است.

می‌توان پیشنهاد کرد که سالانه بودجه‌ای به کارهای پژوهشی و تحقیقی اختصاص یابد تا پژوهشگران عوامل مؤثر بر احساس آرامش و امنیت اجتماعی را بررسی کنند، عوامل مؤثر را

بیابند و در جهت برقراری امنیت گام بردارند. همچنین به نهادهای فرهنگی و اطلاع‌رسانی نظیر رسانه ملی پیشنهاد داد تا بخشی از فرآورده‌های فرهنگی و هنری خویش را به تعالی امنیت اجتماعی و اخلاقی اختصاص دهند و نیز، تدابیری اندیشیده شود تا بخشهایی از مأموریت ایجاد، حفظ، تقویت و تعالی امنیت اجتماعی و اخلاقی به شهروندان به‌ویژه زنان به سازمانهای مردم‌نهاد، واگذار شود. عدم دسترسی آسان به جامعه آماری، زمان طولانی در جمع‌آوری پرسش‌نامه‌های این پژوهش و همچنین روایی صوری پرسش‌نامه پژوهش حاضر را می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین محدودیتهای پژوهش تلقی کرد.



- افشار، ز. (۱۳۸۵). *بررسی امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران*، رساله کارشناسی ارشد. تهران، دانشگاه تهران.
- بوزان، ب. (۱۳۷۸). *مردم، هراس و دولت‌ها*. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پودراتچی، م. (۱۳۸۱). *فضاهای بدون دفاع. فصلنامه‌های شهرداری*. سال چهارم. شماره ۴۱.
- جلالی مقدم، م. (۱۳۷۹). *درآمدی به جامعه‌شناسی دین و آراء جامعه‌شناسان بزرگ درباره دین*. تهران: نشر مرکز.
- خادیمان، ا. (۱۳۹۰). *بررسی اثر سرمایه اجتماعی برگرایش به جرم زنان سرپرست خانواده*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- خوشفر، غ. (۱۳۷۸). *بررسی مشارکت مردم در ایجاد، حفظ و گسترش امنیت اجتماعی مراکز شهرستانهای استان مازندران*. به سفارش دبیرخانه شورای تأمین استان مازندران.
- ریتزر، ج. (۱۳۹۰). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. چاپ دهم، تهران: انتشارات علمی.
- ستوده، ه. (۱۳۸۷). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*. تهران: نشر آوای نور.
- شریفی، ا. و کلانتری، آگهی (۱۳۸۹). *تعیین عوامل مؤثر بر خودکفایی زنان سرپرست خانوار. فصلنامه علمی پژوهشی*.
- شیرازیان، ف. (۱۳۸۷). *بررسی جامعه‌شناختی تأثیر عملکرد نیروی انتظامی بر میزان احساس امنیت در ساکنین منطقه ۳ تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران شمال.

- صمدی بگه‌جان، ج. (۱۳۸۵). *امنیت اجتماعی در شهر سندج*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران، دانشگاه تهران.
- فرجاد، م. (۱۳۸۲). *آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران: انتشارات بدر.
- فرخجسته، ه. (۱۳۸۰). در بررسی ایستارها و ذهنیتها ایران. *مجموعه مقالات امنیت عمومی و وحدت ملی*، تهران: وزارت کشور. معاونت امنیتی و انتظامی.
- کاهه، ا. (۱۳۸۴). *مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی*. جلد ۱، تهران: انتشارات گلپونه.
- کوز، ل. (۱۳۹۰). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- کرامتی، م. (۱۳۸۵). بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان مراکز استانهای کشور (پیمایش دوم). *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی معاونت اجتماعی و ارشاد ناجا* - مرکز مستندات اجتماعی. شماره ششم و هفتم.
- کلاهیچیان، م. (۱۳۸۴). راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی. *مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی معاونت اجتماعی ناجا (شماره یک)*. تهران: انتشارات گلپویه.
- محسنی تبریزی، ع. (۱۳۸۳). *وندالیسم*. تهران: انتشارات آوای نور.
- مشکاتی، م. (۱۳۸۱). سنجش تأثیر عوامل روانی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان. *مجله انجمن جامعه‌شناسی*، دوره ۴، شماره ۲.
- معیدفر، س. و حمیدی، ن. (۱۳۸۶). زنان و سرپرست خانوار: ناگفته‌ها و آسیبهای اجتماعی. *نامه علوم اجتماعی*.
- نصری، ق. (۱۳۷۸). معنا و ارکان جامعه‌شناسی امنیت. *جزوه مفهوم‌شناسی امنیت (شرحی بر تهدیدات)*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- نویدنیا، م. (۱۳۸۲). درآمدی بر امنیت اجتماعی. *فصلنامه مطالعات راهبردی*. سال ششم. شماره ۱۹.
- ----- (۱۳۸۴). بررسی مشارکت مردم در ایجاد، حفظ و گسترش امنیت اجتماعی. *مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی*، معاونت اجتماعی ناجا (شماره یک). تهران: انتشارات گلبویه
- ----- (۱۳۸۵). گفتمانی پیرامون امنیت اجتماعی. *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، معاونت اجتماعی و ارشاد ناجا- مرکز مستندات اجتماعی. شماره چهارم و پنجم.
- Bilgin, P. (2003). *Security Studies :Teory/Practice*. Department of International Politics, University of Wales, Aberystwyth.ol.XII No.2.
- Bilgin, P, Booth, K. & Richard, W. (1998). *Security Studies: The Next Stage?*. Inverno 98, N 48-2. Series pp.131-157.
- Buzan, B. (2000). *Security Studies :Beyond Strategy*.
- Buzan, B. & Weaver, O. (1998). *Libralism and security: the contradictions of the liberal leviathan*. Copenhagen peace research institute (COPRI) Working papers.
- Buzan, B., Weaver, O. & Jaap, D. (1998). *Security: A New Framework for Analysis*.
- Buzan, B. (1991). *People, states and fear*. London: Harvester Wheatsheaf.
- Clements, K. (1999). *Toward a Sociology of Security*. Working Paper 90-4, July.
- www. drake.edu/ artsci/ PoLSci/ personalwebpage/ security. Html.
- www. Yorku. Ca/ dmutimer/ *Security Studies*. Html.